

## سنجش میزان تأثیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با توجه به حقوق مدنی و کارآفرینی زنان: مطالعه موردی بین زنان ۲۰ تا ۴۰ سال منطقه ۲ تهران

زهرا حضرتی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران [Zahra\\_titi100@yahoo.com](mailto:Zahra_titi100@yahoo.com)

### چکیده

هدف از این تحقیق مطالعه و بررسی حقوق مدنی مرتبط با سرمایه اجتماعی بر کارآفرینی زنان در ایران است و محقق در این رابطه به مطالعه تأثیر ابعاد حقوق مدنی با ابعاد سرمایه اجتماعی پرداخته است. جامعه آماری این تحقیق کلیه زنان ساکن در منطقه ۲ تهران می‌باشند که با توجه به سن اشتغال آنان زنان بین ۲۰ تا ۴۰ سال منطقه ۲ تهران انتخاب شدند که بر اساس سرشماری آمار ۱۳۹۰ تعداد ۲۷۹۵۱۵ نفر بودند که بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۱ نفر محاسبه گردیدند. این تحقیق با توجه به ماهیت از نوع پیمایشی و همبستگی بوده و با توجه به اهداف از نوع کاربردی می‌باشد و محقق جهت ارزیابی اهداف خود از دو رویکرد میدانی با ابزار پرسشنامه محقق ساخته برای گردآوری اطلاعات جامعه مورد مطالعه و رویکرد کتابخانه‌ای، برای جمع‌آوری اطلاعات، محقق، با مراجعه به کتب و مقالات معتبر در زمینه ادبیات پژوهشی تحقیق خود در بعد نظریه‌های مرتبط بهره می‌جوید. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که، با توجه به سطح معنی‌داری مناسب (۰,۰۰۵) =  $R$ ، ضریب همبستگی (۰,۸۷۲) که مبین شدت همبستگی متغیر وابسته یعنی عوامل کارآفرینی زنان و متغیر مستقل ابعاد سرمایه اجتماعی با توجه به ابعاد حقوق مدنی به‌عنوان متغیر مداخله‌گر، حاکی از ارتباط مؤثر ابعاد سرمایه اجتماعی بر عوامل کارآفرینی زنان با توجه به حقوق مدنی، است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اولاً بین ابعاد حقوق مدنی و ابعاد سرمایه اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشته و ثانیاً این ارتباط مثبت می‌تواند، ترویج و توسعه کارآفرینی زنان در جامعه ایرانی را به دنبال داشته باشد.

تاریخ اتمام تحقیق بهمن ۱۳۹۵

**کلیدواژه:** حقوق مدنی، سرمایه اجتماعی، زنان، کارآفرینی

### مقدمه و بیان مساله

یکی از مهم‌ترین معیارها جهت سنجش درجه توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا هستند. اکنون نگاه جهانی، بیشتر به سوی زنان معطوف شده است زیرا امروزه برای تحقق توسعه اجتماعی، تسریع فرایند توسعه اقتصادی و محقق شدن عدالت اجتماعی، چنانچه به زن به‌عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود، تأثیر بسیاری در روند توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی آن جامعه خواهد داشت. نقش

زنان در توسعه، مستقیماً باهدف توسعه اجتماعی و اقتصادی بستگی داشته و ازاین‌رو در تحول همه‌جوامع انسانی، عاملی بنیادی محسوب می‌گردد. ازاین‌رو هر جامعه‌ای برای تحقق اهداف خود دست کم نیازمند سه نوع سرمایه است که مکمل یکدیگرند، و همچنین، رشد و توسعه جامعه نیز مشروط به حضور هر سه دسته سرمایه حداقلی یعنی سرمایه اجتماعی، انسانی و اقتصادی است. امروزه ادبیات توسعه در مبحث سرمایه حای صور متعددی از این مفهوم است. سرمایه در معنای عام خود دلالت بر مجموعه‌ی دارایی‌ها، امکانات و منابع در اختیار دارد که در قالب و اشکال مختلف نمود پیدا می‌کند (اعتصامی و فاضلی کبریا، ۱۳۸۸).

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات مبتلا به کشور ما در زمان‌های مختلف و تبعیضات جنسیتی علیه زنان در بسیاری از حوزه‌ها بوده است. نتایج یک مطالعه تاریخی (قلی زاده، ۱۳۸۳) وضعیت حقوقی و اجتماعی زنان در عهد صفوی، نشان می‌دهد که بعد از حمله مغول و در زمان صفویه، وضعیت عمومی زنان در ایران دستخوش تحول کمتری بوده است. زنان در این دوره از حقوق قانونی، آزادی فردی، ثروت و مالکیت محروم بودند. خانواده‌ها دختران خود را به‌عنوان هدیه به حرمسراهای شاهان تقدیم می‌کردند تا بتوانند از این طریق به موقعیت اجتماعی و اقتصادی خاصی دست یابند.

در اوایل دوره قاجاریه نیز اوضاع اجتماعی و حقوقی زنان بهتر از عهد صفویه نبود و علاوه بر موارد مذکور عمده فعالیت زنان در امور خانگی و در سطح جامعه تشکیل انجمن‌های نسوان خلاصه می‌شد (شیرودی، ۱۳۹۱، ۶۲).

اما در زمان پهلوی زنان ایرانی، رهایی از اجبارهای تحمیل شده بر آنها توسط هنجارها و ارزش‌های سنتی را تجربه کردند و همچنین فرصت‌های بسیاری برای اشتغال در مشاغل جدید مانند پرستاری، آموزگاری و کار در کارخانه‌ها را کسب نمودند. در این زمان و همگام با اجرا و پیگیری این تغییرات، که جنبش زنان آن را باعث آگاهی و ترفیع موقعیت هم‌نوعان خویش می‌پنداشت، این جنبش همچنین امیدوار بود که همگام با تحول در سیستم قضائی، قوانینی حقوقی و سیاسی در برابری زنان و مردان نیز صادر گردد. اما روند تصویب این قوانین و بی‌توجهی به مسائل زنان در مسائل حقوقی در جامعه‌ای که به شدت مردانه و در آن مفهوم مردسالاری و شرف‌خانوادگی حاکم و قوانین آن هنوز بازتابنده عقاید سنتی اسلامی درباره نقش جنسیت‌ها و روابط میان دو جنس بود، و در تصویب قوانینی مانند حق طلاق و حق حضانت کودکان برای مردان و همچنین حق انتخاب همسران متعدد، سهم بری بیشتر در ارث، در مقابل